

به پیروی از دکتر احمد محمدپور:

“تقدیم به آن پدر و مادر روستایی ام که ارباب روش و اندیشه اند”

تهدیه و شکر

سپاس گزار کسانی، هستم که سرآغاز تولد من، هستند. از یکی زاده می شوم و از دیگری جاودانه؛

مادری که تار مویی از او پایی من سیاه نموده است و

استایدی که سپیدی را برتخته سیاه زنده گی ام می بخازند.

در این سپاس گزاری " نه سحر بلاغت است و نه شهد عبارت ". از پدر و مادر عزیزم... این دو معلم زحمت- کش و بزرگوارم... که همواره بر کوتاهی و درشتی من، قلم عفو کشیده و کریمانه از کنار کوچکی هایم گذشته- اند و یار و یاور بی چشم داشت زنده گی ام هستند، از استاد راهنمای گرانقدر و پرتلاشم سرکار خانم دکتر زینب کاوه فیروز که هم چون خواهری دل سوز در تمامی مراحل انجام این پایان نامه راهنمایم بودند، از استاد مشاور فرهیخته و فرزانه ام سرکار خانم دکتر شهلا کاظمی پور که با حوصله تمام و روی گشاده از هیچ کمکی دریغ نکردند و از جناب آقای دکتر علی شمعی که زحمت داوری این پایان نامه را متقبل شدند، صمیمانه سپاس گزاری می کنم.

از اساتید بزرگوار دوره‌ی کارشناسی (دانشگاه ایلام)، دکتر حسین مهدی‌زاده، دکتر بهروز سپیدنامه و به-
خصوص استاد فرهیخته جناب آقای دکتر یارمحمد قاسمی که آفتاب‌وار بر همه تابیدند و مهر ورزیدند، کمال
تشکر را دارم و سپاس‌گزار حسن تعلیم و خلق کریم‌شان هستم.

از دوست و برادر بزرگوارم جناب آقای گودرز اعظمی که در تمام مراحل نگارش پایان‌نامه هم‌واره از
راهنمایی‌هاشان بهره بردم، از سرکار خانم دکتر زهرا نظری نورآباد، خانم دکتر زهرا رضایی نسب، خانم زهرا
محمدی، خانم زینب خوشرو و خانم زهره نجاتی که در امر گردآوری داده‌ها بنده را مورد لطف‌شان قرار دادند،
قدردانی می‌کنم.

در پایان از برادران و خواهران دل‌سوز و مهربانم به‌خصوص یحیی و صادق که در نگارش این پایان‌نامه مرا
یاری فرمودند نهایت تشکر و قدردانی را دارم.

تهران- دانشگاه خوارزمی

مرتضی رنجبر

مهر ماه ۱۳۹۲

نام خانوادگی: رنجبر	نام: مرتضی
عنوان پایان‌نامه: تعیین‌کننده‌های اجتماعی جمعیتی موثر بر افزایش سن ازدواج دختران (دانشجویان مقطع تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های تهران)	
استاد راهنما: دکتر زینب کاوه فیروز	استاد مشاور: دکتر خانم شهلا کاظمی‌پور
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	رشته: علوم اجتماعی
دانشکده: ادبیات و علوم انسانی	تاریخ فارغ‌التحصیلی: مهر ماه ۱۳۹۲
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	گرایش: پژوهشگری
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	دانشگاه: خوارزمی تهران
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	تعداد صفحه: ۱۰۸
واژگان کلیدی: سن ازدواج دختران، عوامل جمعیتی- اجتماعی، دانشگاه‌های تهران	
<p>چکیده</p> <p>هدف کلی این تحقیق، بررسی متغیرهای جمعیتی- اجتماعی موثر بر افزایش سن ازدواج دختران دانشگاه‌های تهران (مطالعه‌ی موردی زنان شاغل به تحصیل در مقطع تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های تهران) می‌باشد. با استفاده از روش پیمایشی با تکنیک پرسش‌نامه، ۳۸۷ زن ازدواج کرده شاغل به تحصیل در دانشگاه‌های تهران با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای طبقه‌بندی‌شده مورد سوال قرار گرفتند. متغیرهای مورد استفاده برای تبیین افزایش سن ازدواج دختران دانشگاه‌های تهران عبارتند از: مقطع تحصیلی، محل سکونت، درجه‌ی توسعه‌یافتگی استان محل سکونت، اختلاف نگرش با والدین در امر ازدواج، توقعات اجتماعی، توقعات اقتصادی، میزان دسترسی و استفاده از وسایل ارتباط جمعی، تسهیل روابط دختر و پسر، شیوه‌های انتخاب همسر و پایگاه اقتصادی اجتماعی والدین. نتایج آزمون فرضیات نشان داد که متغیرهای مقطع تحصیلی، اختلاف نگرش با والدین در امر ازدواج، توقعات اجتماعی، میزان دسترسی و استفاده از وسایل ارتباط جمعی، تسهیل روابط دختر و پسر، شیوه‌های انتخاب همسر در تبیین افزایش سن ازدواج دختران موثر بوده ولی فرضیات محل سکونت، درجه‌ی توسعه‌یافتگی استان محل سکونت، توقعات اقتصادی و پای‌گاه اقتصادی اجتماعی والدین پاسخگویان تایید نشدند.</p> <p>تحلیل مدل رگرسیونی نشان داد که متغیرهای جمعیتی اجتماعی مورد بررسی در حدود ۳۳ درصد از تغییرات افزایش سن ازدواج دختران دانشگاه‌های تهران را تبیین می‌کند. با استفاده از نتایج تحلیل مسیر، متغیر اختلاف نگرش با والدین با ضریب بتای ۰/۳۰۴ دارای بیش‌ترین اثر مستقیم و متغیر دوستی قبل از ازدواج با ضریب بتای ۰/۰۷۷- دارای بیشترین تاثیر غیرمستقیم در افزایش سن ازدواج دختران دانشگاه‌های تهران بوده و در نهایت اثر کل (مجموع اثرات مستقیم و غیرمستقیم) متغیر میزان دسترسی و استفاده از وسایل ارتباط جمعی با ضریب بتای ۰/۴۳۵ از همه متغیرهای دیگر بیشتر بوده است. به عبارت دیگر متغیر استفاده از وسایل ارتباط جمعی، در این بررسی به- عنوان مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده در تبیین افزایش سن ازدواج دختران دانشگاه‌های تهران شناخته شد.</p>	
واژگان کلیدی: سن ازدواج دختران، عوامل جمعیتی- اجتماعی، دانشگاه‌های تهران	

فهرست مطالب

أ.....	فهرست مطالب
ج.....	فهرست جداول
خ.....	فهرست نمودارها
د.....	پیشگفتار
۱.....	فصل اول: کلیات پژوهش
۲.....	۱-۱- مقدمه
۳.....	۲-۱- بیان مساله
۷.....	۳-۱- ضرورت و اهمیت پژوهش
۹.....	۴-۱- اهداف پژوهش
۹.....	۱-۴-۱- هدف کلی
۹.....	۲-۴-۱- اهداف جزئی
۱۱.....	فصل دوم: مفاهیم، ادبیات، چارچوب نظری پژوهش
۱۲.....	۱-۲- ملاحظات نظری
۱۵.....	۲-۱-۱- نظریه‌های اقتصادی
۱۶.....	۲-۱-۱-۱- نظریه‌ی تورم رکودی
۱۷.....	۲-۱-۱-۲- نظریه‌ی گزینش معقولانه‌ی هکتر
۱۸.....	۲-۱-۲- نظریه‌های اجتماعی
۱۸.....	۲-۱-۲-۱- نظریه‌های جامعه‌شناختی
۱۸.....	۲-۱-۲-۱-۱- نظریه‌ی کارکردگرایی ساختاری
۱۹.....	۲-۱-۲-۱-۲- نظریه‌ی بلاو و دانکن
۲۰.....	۲-۲-۱-۲- نظریه‌های جمعیت‌شناختی
۲۱.....	۲-۲-۱-۲-۱- نظریه‌ی برابری جنسیتی
۲۲.....	۳-۱-۲- نظریه‌ی نوسازی

۲۳ ۱-۳-۱-۲- آنتونی گیدنز
۲۴ ۲-۳-۱-۲- دانیل لرنر
۲۶ ۲-۲- پیشینه پژوهش
۲۶ ۱-۲-۲- پژوهش‌های داخلی
۲۹ ۲-۲-۲- پژوهش‌های خارجی
۳۱ ۳-۲- مدل نظری پژوهش
۳۳ ۴-۲- فرضیه‌های پژوهش
۳۴ فصل سوم: روش‌شناسی پژوهش
۳۴ ۱-۳- مقدمه
۳۴ ۲-۳- نوع مطالعه و روش پژوهش
۳۴ ۳-۳- واحد تحلیل
۳۴ ۴-۳- جامعه‌ی آماری
۳۵ ۵-۳- تعیین حجم نمونه
۳۵ ۶-۳- شیوه نمونه‌گیری
۳۶ ۷-۳- تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها
۳۶ ۱-۷-۳- متغیر وابسته (افزایش سن ازدواج)
۳۷ ۲-۷-۳- متغیرهای مستقل
۳۷ ۱-۲-۷-۳- متغیر تحصیلات
۳۷ ۲-۲-۷-۳- محل سکونت
۳۷ ۳-۲-۷-۳- درجه‌ی توسعه‌یافته‌گی محل سکونت
۳۷ ۴-۲-۷-۳- اختلاف نگرش والدین با دختر نسبت به امر ازدواج
۳۸ ۵-۲-۷-۳- توقعات اجتماعی
۳۹ ۶-۲-۷-۳- توقعات اقتصادی
۳۹ ۷-۲-۷-۳- دسترسی و استفاده از وسایل ارتباط جمعی

.....	۳-۷-۲-۸- تسهیل روابط دختر و پسر.....	۴۰
.....	۳-۷-۲-۹- شیوه انتخاب هم‌سر.....	۴۰
.....	۳-۷-۲-۱۰- میزان تحصیلات پدر پاسخ‌گویان.....	۴۰
.....	۳-۷-۲-۱۱- میزان تحصیلات مادر پاسخ‌گویان.....	۴۱
.....	۳-۷-۲-۱۰- پای‌گاه اقتصادی-اجتماعی والدین.....	۴۱
.....	۳-۸- اعتبار و پایایی پرسش‌نامه.....	۴۱
.....	۳-۹- پردازش و تجزیه و تحلیل داده‌ها.....	۴۳
.....	فصل چهارم: یافته‌ها و نتایج پژوهش.....	۴۴
.....	۴-۱- مقدمه.....	۴۵
.....	۴-۲- توصیف نمونه و متغیرها.....	۴۵
.....	۴-۲-۱- متغیر وابسته.....	۴۵
.....	۴-۲-۲- متغیرهای مستقل.....	۴۶
.....	۴-۲-۲-۱- مقطع تحصیلی پاسخ‌گویان.....	۴۶
.....	۴-۲-۲-۲- محل سکونت.....	۴۶
.....	۴-۲-۲-۳- درجه‌ی توسعه‌یافته‌گی محل سکونت پاسخ‌گویان.....	۴۷
.....	۴-۲-۲-۴- اختلاف نگرش با والدین.....	۴۷
.....	۴-۲-۲-۵- توقعات اجتماعی.....	۴۸
.....	۴-۲-۲-۶- توقعات اقتصادی.....	۴۹
.....	۴-۲-۲-۷- میزان دسترسی و استفاده از وسایل ارتباط جمعی.....	۴۹
.....	۴-۲-۲-۸- تسهیل روابط دختر و پسر.....	۵۰
.....	۴-۲-۲-۹- شیوه‌ی انتخاب هم‌سر.....	۵۱
.....	۴-۲-۲-۱۰- تحصیلات پدر پاسخ‌گویان.....	۵۲
.....	۴-۲-۲-۱۱- تحصیلات مادر پاسخ‌گویان.....	۵۲
.....	۴-۲-۲-۱۲- شغل پدر.....	۵۳

۵۴ شغل مادر..... ۱۳-۲-۲-۴
۵۴ درآمد والدین پاسخ‌گویان..... ۱۴-۲-۲-۴
۵۵ پای‌گاه اجتماعی - اقتصادی والدین پاسخ‌گویان..... ۱۵-۲-۲-۴
۵۷ بررسی روابط متغیرهای پژوهش..... ۳-۴
۵۷ بررسی روابط دومتغیره پژوهش..... ۱-۳-۴
۵۸ آزمون فرضیه‌ها..... ۱-۱-۳-۴
۶۵ تحلیل مسیر مدل نظری پژوهش..... ۴-۴
۶۶ تحلیل مسیر..... ۱-۴-۴
۶۶ متغیرهایی که صرفاً به صورت مستقیم بر متغیر سن ازدواج دختران تاثیر گذاشته- اند..... ۱-۱-۴-۴
۷۱
۷۲ متغیرهایی که صرفاً به صورت غیرمستقیم بر متغیر سن ازدواج تاثیر گذاشته‌اند..... ۲-۱-۴-۴
۷۳ متغیرهایی که علاوه بر تاثیر مستقیم، به صورت غیرمستقیم و با واسطه‌ی متغیرهای وابسته‌ی میانی بر متغیر سن ازدواج تاثیر گذاشته‌اند..... ۳-۱-۴-۴
۷۳
۷۴ فصل پنجم: بحث و نتیجه‌گیری.....
۷۵ ۱-۵ نتیجه‌گیری.....
۸۰ ۲-۵ راه‌کارها و پیشنهادها.....
۸۰ ۱-۲-۵ راه‌کارهای اجرایی.....
۸۱ ۲-۲-۵ راه‌کارهای پژوهشی.....
۸۱ ۴-۵ محدودیت‌های پژوهش.....
۸۲ منابع.....
۸۷ ضمیمه‌ها.....

فهرست جداول

- جدول (۱-۱) میانگین سن ازدواج از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵..... ۸
- جدول (۱-۳) توزیع نمونه‌گیری به تناسب تعداد جامعه آماری..... ۳۶
- جدول (۲-۳) نتایج آزمون پایایی هم‌سازی درونی گویه‌ها با آلفای کرونباخ..... ۴۲
- جدول (۱-۴) توزیع سن ازدواج پاسخ‌گویان بر حسب گروه‌های سنی..... ۴۵
- جدول (۲-۴) توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب مقطع تحصیلی..... ۴۶
- جدول (۳-۴) توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب محل سکونت..... ۴۶
- جدول (۴-۴) توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب درجه‌ی توسعه یافته‌گی استان محل سکونت..... ۴۷
- جدول (۵-۴) توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب میزان اختلاف با والدین..... ۴۸
- جدول (۶-۴) توزیع نظر پاسخ‌گویان در مورد میزان توقعات اجتماعی در افزایش سن ازدواج..... ۴۸
- جدول (۷-۴) توزیع نظر پاسخ‌گویان در مورد نقش توقعات اقتصادی در افزایش سن ازدواج..... ۴۹
- جدول (۸-۴) توزیع نظر پاسخ‌گویان در مورد نقش استفاده از وسایل ارتباط جمعی در افزایش سن ازدواج..... ۵۰
- جدول (۹-۴) توزیع نظر پاسخ‌گویان در مورد نقش تسهیل روابط دختر و پسر در افزایش سن ازدواج..... ۵۱
- جدول (۱۰-۴) توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب روش انتخاب هم‌سر..... ۵۱
- جدول (۱۱-۴) توزیع پاسخ‌گویان بر حسب میزان تحصیلات پدر..... ۵۲
- جدول (۱۲-۴) توزیع پاسخ‌گویان بر حسب میزان تحصیلات مادر..... ۵۳
- جدول (۱۳-۴) توزیع فراوانی بر حسب رتبه بندی شغلی پدر پاسخ‌گویان..... ۵۳
- جدول (۱۴-۴) توزیع فراوانی بر حسب رتبه بندی شغلی مادر پاسخ‌گویان..... ۵۴
- جدول (۱۵-۴) توزیع فراوانی درآمد والدین پاسخ‌گویان..... ۵۵
- جدول (۱۶-۴) متغیرهای مداخله‌گر در تعیین پایگاه اقتصادی اجتماعی..... ۵۶
- جدول (۱۷-۴) توزیع فراوانی پای‌گاه اقتصادی اجتماعی والدین..... ۵۷

- جدول (۴-۱۸) نتایج میانگین سن ازدواج نمونه پژوهش به تفکیک مقطع تحصیلی و نتایج آزمون تی رابطه
بین تحصیلات و سن ازدواج..... ۵۸
- جدول (۴-۱۹) نتایج میانگین سن ازدواج نمونه تحقیق به تفکیک منطقه محل سکونت و نتایج آزمون تی بین
تحصیلات و سن ازدواج..... ۵۹
- جدول (۴-۲۰) نتایج میانگین سن ازدواج نمونه تحقیق به تفکیک درجه توسعه یافته‌گی محل سکونت و
نتایج آزمون تی بین درجه توسعه یافته‌گی محل سکونت پاسخ‌گویان و سن ازدواج..... ۶۰
- جدول (۴-۲۱) نتایج میانگین سن ازدواج نمونه تحقیق به تفکیک اختلاف نگرش با والدین در مورد سن
ازدواج و نتایج آزمون تی بین اختلاف نگرش والدین با دختران در امر ازدواج..... ۶۰
- جدول (۴-۲۲) نتایج میانگین سن ازدواج نمونه تحقیق به تفکیک توقعات اجتماعی و نتایج آزمون اف بین
توقعات اجتماعی و سن ازدواج..... ۶۱
- جدول (۴-۲۱) نتایج میانگین سن ازدواج نمونه تحقیق به تفکیک توقعات اقتصادی و نتایج آزمون اف بین
توقعات اقتصادی و سن ازدواج..... ۶۱
- جدول (۴-۲۴) نتایج میانگین سن ازدواج نمونه پژوهش به تفکیک استفاده از وسایل ارتباط جمعی و نتایج
آزمون اف رابطه بین میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و سن ازدواج..... ۶۲
- جدول (۴-۲۵) نتایج میانگین سن ازدواج نمونه تحقیق به تفکیک موافقت با تسهیل روابط دختر و پسر و
نتایج آزمون اف بین تسهیل روابط دختر و پسر و سن ازدواج..... ۶۳
- جدول (۴-۲۶) نتایج میانگین سن ازدواج نمونه تحقیق به تفکیک شیوه‌های انتخاب هم‌سر و نتایج آزمون اف
بین شیوه انتخاب هم‌سر و سن ازدواج..... ۶۴
- جدول (۴-۲۷) نتایج میانگین سن ازدواج نمونه تحقیق به تفکیک پای‌گاه اقتصادی اجتماعی والدین و نتایج
آزمون اف بین پای‌گاه اقتصادی اجتماعی والدین و سن ازدواج..... ۶۴
- جدول (۴-۲۸) ضریب تعیین رگرسیون چند متغیره..... ۶۵
- جدول (۴-۲۹) متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون..... ۶۶
- جدول (۴-۳۰) میزان تاثیر مستقیم و غیر مستقیم و کل متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته (افزایش سن
ازدواج)..... ۷۰

فهرست نمودارها

- نمودار (۱-۲) مدل مفهومی پژوهش ۳۲
- نمودار (۱-۴) تحلیل مسیر اثرات مستقیم و غیرمستقیم ۶۹

پیشگفتار

ازدواج نخستین قدم یک فرد برای ایجاد تکوین زنده‌گی مشترک با فردی از جنس مخالف است. چنانچه این گام در زمان مناسب و به شکل صحیح و سنجیده برداشته شود، کارکردهای مناسب آن در طول زنده‌گی مشترک مشخص خواهد شد. هرچه کارکردهای مناسب ازدواج در زنده‌گی زنان و مردان بیش‌تر باشد، خانواده‌های معطوف به این‌گونه ازدواج‌ها، سالم‌تر و مستحکم‌تر بوده و در نتیجه جامعه مشتمل بر این‌گونه خانواده نیز دارای انسجام و هم‌بسته‌گی زیاد و نظم اجتماعی مطلوب خواهد بود. اما این نهاد در طول زمان دگرگونی‌های مختلفی را تجربه کرده است؛ یکی از این دگرگونی‌ها و اثرگذار تحول در سن ازدواج است (آقا، ۱۳۸۳: ۲۲۱).

مشخصه‌ی بارز این تحول افزایش سن ازدواج و مجرد قطعی است. اگرچه روند این تحول در کشورهای غربی و توسعه یافته سریع‌تر و میزان دگرگونی‌های زیادتر بوده است؛ اما در غالب کشورهای در حال توسعه نیز این تحول مشاهده می‌شود. در تبیین این پدیده نظریه‌پردازان حوزه‌های جامعه‌شناسی و جمعیت‌شناسی به عوامل مختلفی اشاره می‌نمایند، نوگرایی، صنعتی شدن، گسترش شهرنشینی، افزایش میزان اشتغال زنان، گسترش میزان تحصیلات زنان و مسایل اقتصادی از مهم‌ترین این عوامل هستند (آقا، ۱۳۸۳: ۲۲۱).

اما این دگرگونی و دگرگونی‌ها خواه پیامد انتقال دموگرافیک باشد یا نتیجه انقلاب تکنولوژیک و ارتباطی دوران معاصر، بیش از همه، ساختارها و سبک زنده‌گی جوانان را تحت تاثیر قرار می‌دهد و به خلق پدیده‌های نو در ساختارهای جامعه منجر می‌شود؛ بی آن‌که تمامی لایه‌های اجتماعی زمینه پذیرش چنین نوآوری‌هایی را داشته باشند. بر این اساس تاخیر در ازدواج، از یک‌سو کارکردهای موجود نهادهایی هم‌چون خانواده و ازدواج را به چالش می‌کشاند و از سوی دیگر پیامدهایی به همراه خواهد داشت که دگرگونی‌هایی را در هنجارها و الگوهای روابط بین دوجنس زن و مرد موجب خواهد شد. حال چنانچه این دگرگونی‌های هم‌آهنگ و همراه با دگرگونی‌های صورت گرفته در حوزه‌های ارزشی و هنجاری جامعه نباشد، اختلال‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی مختلفی را می‌تواند در پی داشته باشد. از این‌رو این پژوهش بر آن است که به‌طور خاص به عوامل جمعیتی-اجتماعی افزایش سن دختران دانشگاه‌های تهران بپردازد. بنابراین این پژوهش در پنج فصل به‌علاوه ضمایم تنظیم گردیده است.

فصل اول شامل مقدمه، بیان مساله، اهمیت و ضرورت پژوهش و اهداف پژوهش می‌باشد، گزارش این پژوهش در چهار فصل دیگر تنظیم شده است که چکیده مطالب و عناوین آن‌ها به شرح زیر است:

فصل دوم تحت عنوان ادبیات پژوهش، شامل تعریف و تشریح متغیرهای موثر بر افزایش سن ازدواج و آرایه روی کردهای نظری در مورد عوامل جمعیتی- اجتماعی موثر بر افزایش سن ازدواج می‌باشد. در ادامه به پژوهش‌های مرتبط با موضوع در دو بخش داخلی و خارجی پرداخته شده است. در پایان نیز مدل مفهومی به همراه فرضیه‌های پژوهش آرایه شده است.

در فصل سوم روش‌شناسی پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است که در برگزیده تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای پژوهش، جامعه آماری و حجم نمونه، اعتبار و اعتماد وسیله‌ی اندازه‌گیری و روش‌های تحلیل آماری پژوهش می‌باشد.

فصل چهارم شامل یافته‌های پژوهش است که این فصل به دو بخش تقسیم می‌شود: بخش اول مربوط به توصیف نمونه و متغیرها است و بخش دوم شامل تحلیل‌های استنباطی است که در این بخش روابط دوجه‌دو و چندگانه بین متغیرها با استفاده از آزمون‌های آماری چون تی، تحلیل واریانس، تحلیل رگرسیون با استفاده از تحلیل مسیر مورد بررسی قرار گرفته است. در نهایت فصل پنجم به بحث و نتیجه‌گیری پژوهش اختصاص دارد که شامل نتایج تجربی و نظری پژوهش و همچنین محدودیت‌های پژوهش و آرایه راه‌کارها و پیشنهادات می‌باشد.

فصل اول

کلیات تحقیق

۱-۱- مقدمه

ازدواج یکی از مهم‌ترین وقایع حیاتی در کنار وقایع حیاتی دیگر چون تولد، مرگ و میر و طلاق است که از جنبه‌ها و ابعاد گوناگون شایسته‌ی بررسی و مطالعه می‌باشد. در کشور ما به لحاظ ساختار سنی، بخش اعظم جمعیت آن را جوانان تشکیل می‌دهد، مطالعه این امر اهمیت زیادی به‌خصوص بر ساست‌گذاری و برنامه‌ریزی دارد، زیرا مسایل و مشکلات و نابسامانی‌های موجود در این بخش می‌تواند پیامدهای ناخواسته‌ی فرهنگی و اجتماعی ناگواری در سطح فردی و اجتماعی در پی داشته باشد. به بیان دیگر، آثار ازدواج بیش از آن‌که در فرد قابل ملاحظه باشد، در سطح کلان اجتماع قابل مشاهده است. نگرش‌های فرهنگی در مورد ازدواج، وضعیت اشتغال و بی‌کاری جوانان، امید به آینده، تحصیلات و ... می‌تواند روند طبیعی این پدیده را دچار اختلال کند. البته بایستی توجه داشت که ساختار جمعیتی جامعه نیز می‌تواند مستقیماً بر وضعیت ازدواج در جامعه تاثیر گذارد؛ با این حال اجماع نظر نسبی بیان‌گر تاثیر تعاملی ساختار جمعیتی و متغیرهای فرهنگی و اجتماعی و حتی سیاسی در وضعیت ازدواج زنان ایران است. پژوهش‌گران برای تبیین دگرگونی‌های مربوط به الگوی سن ازدواج (بالا رفتن سن ازدواج، افزایش تجرد قطعی و غیره) به عواملی نظیر صنعتی شدن (گود^۱، ۱۹۶۳)؛ افزایش نقش زنان در اقتصاد خانواده (بکر^۲، ۱۹۸۵)، افزایش تحصیلات زنان همراه با استقلال اقتصادی آنان (وان دکا^۳، ۱۹۸۵) و دگرگونی در نگرش و ارزش‌های جوانان (لستاقی^۴، ۱۹۸۳) اشاره می‌کنند (احمدی و همتی، ۱۳۸۷). به‌طور کلی فرآیند نوسازی در چند دهه‌ی اخیر همراه با توسعه‌ی نظام‌های آموزشی و توسعه رسانه‌های جدید بوده است. توسعه نظام‌های آموزشی و رسانه‌های جدید از یک‌سو موجب دگرگونی ساختار خانواده‌ها شده - که می‌توان به دگرگونی نگرش‌های سنتی خانواده‌ها اشاره کرد - و از سوی دیگر آموزش و ارتباطات همراه با دگرگونی ساختار روابط در خانواده، منجر به گسترش نوگرایی و رشد فردگرایی شده است. با رشد فردگرایی و گرایش به نوگرایی، روابط میان فرد با خانواده دگرگون شده است. بسیاری از این دگرگونی‌های در سطوح گوناگون نسلی متفاوت بوده‌اند. دگرگونی ارزش‌ها در میان نسل‌های جدید که مستعد پذیرش نگرش‌های جدید هستند با نسل‌های پیشین تفاوت دارد. نسل جوان به نسبت نسل‌های پیشین مقاومت

۱. goode

۲. becker

۳. Van de kaa

۴. Tahaeghe

کم‌تری در برابر این دگرگونی‌ها داشته و حتی از این دگرگونی‌ها استقبال نیز کرده است. بسیاری از این تقابل‌های ارزشی منبع مهمی برای چالش‌ها میان والدین و فرزندان در خانواده بوده‌اند. به عبارتی ما شاهد دگرگونی‌های مهمی در روابط متقابل والدین و فرزندان هستیم که از جمله می‌توان به متعارض و قطبی شدن نگرش‌ها، ارزش‌ها و هنجارها میان والدین و فرزندان اشاره کرد؛ تا جایی که می‌توان از آن به عنوان افزایش اختلاف نگرش فرزندان و والدین نام برد. این اختلاف نگرش در تصمیم فرد در امر ازدواج برجسته‌تر می‌شود. تاثیر وسایل ارتباط جمعی از یک‌سو، توقعات اجتماعی و اقتصادی از سوی دیگر همراه با پیامدهای نوسازی از جمله عواملی هستند که سن ازدواج را تحت تاثیر قرار می‌دهد. نظر به این‌که افزایش سن ازدواج دختران از درجه حساسی از لحاظ فرهنگی و اجتماعی در جامعه ما قرار دارد؛ این پژوهش بر آن است از نگاه جمعیتی-اجتماعی به عوامل جمعیتی اجتماعی افزایش سن ازدواج دختران دانشگاه‌های تهران بپردازد.

۱-۲- بیان مسأله

به موازات موج وسیع صنعتی شدن و رشد مظاهر زنده‌گی مدرن، جوامع سنتی دستخوش دگرگونی‌ها و دگرگونی‌ها عمده در عرصه‌ی عناصر پایه‌ای فرهنگ می‌گردند. شروع دگرگونی و دگرگونی‌های فرهنگی در طی دهه‌های اخیر اذهان بسیاری از متفکرین و مسوولین را متوجه این سوال کرده است که «وضعیت عناصر سنتی نظام فرهنگی جامعه ایرانی در حال حاضر چگونه است؟»

علت طرح این سوال وقوع دگرگونی‌های اقتصادی اجتماعی و سیاسی است که پیامدهای فرهنگی شگرفی را به دنبال داشته است. متفکران عرصه‌ی اجتماعی بر این باورند که دگرگونی‌های نظام اجتماعی و دگرگونی‌های ارزشی مانند حرکت سایه و آفتاب، در صورت دقت و تمرکز در یک زمان محدود، اصلاً محسوس نیستند. اما با گذشت زمانی نه چندان طولانی، مردم و مسوولین جامعه متوجه می‌شوند که کجا بوده‌اند و اکنون کجا هستند (آزاد ارمکی: ۱۳۷۹). در طول این دوران (ورود جریان نوسازی)، تمام شاخص‌های جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی توسعه از قبیل رشد شهرنشینی، افزایش تحصیلات، رشد بخش صنعت، افزایش امید به زنده‌گی، کاهش رشد جمعیت، به‌بود امکانات پزشکی و بهداشتی و رشد شاخص توسعه انسانی از ۰/۵۶۶ در سال ۱۳۵۴ به ۰/۷۳۲ در سال ۱۳۸۲ رسیده است که همه‌ی آن‌ها با کمی فراز و نشیب، (به جز در طول جنگ تحمیلی) روند صعودی داشته‌اند. این‌ها همه‌گی از جمله شاخص‌های نوسازی هستند که ایران در طول چند دهه گذشته تجربه کرده است. اگر چه به‌بود شاخص‌های مذکور نشان از افزایش سطح توسعه‌ی انسانی و

اقتصادی جامعه ایرانی دارد، اما نکته و مساله نگران کننده عبارت است از پیامدهای فرهنگی ارزشی که به دنبال فرآیند نوسازی در جامعه ما به وقوع پیوسته است. رابطه‌ی بین دگرگونی‌های ساختاری و دگرگونی‌های ارزشی که به دنبال فرآیند نوسازی در جامعه به وقوع پیوسته است؛ بیش تر متفکران اجتماعی را معتقد ساخته که وجود دگرگونی در یکی از عناصر جامعه، لزوماً دگرگونی در دیگر عناصر را به دنبال خواهد داشت (آزاد ارمکی: ۱۳۸۶: ۳۲).

خانواده به عنوان یکی از اجزای جامعه باید در متن جامعه ملاحظه و دگرگونی‌های آن، همراه یا در پی دگرگونی‌های جامعه مطالعه شود. بنابراین خانواده به دو یا چند نفر اطلاق می‌شود که با هم زنده‌گی می‌کنند و از طریق ولادت، ازدواج یا فرزندخوانده‌گی به یکدیگر مرتبط‌اند. به تعبیر دیگر خانواده براساس خویشاوندی از طریق خون یا فرزندخوانده‌گی یا ازدواج استوار است (سرایبی: ۱۳۸۰). اما خانواده با ازدواج امکان وجود و پیدایش می‌یابد و به عبارتی دیگر ازدواج مقدم بر خانواده است.

ازدواج مبنای تشکیل خانواده یعنی نخستین و مهم‌ترین واحد اجتماعی است. با تشکیل این واحد، انجام یکی از وظایف مهم خانواده یعنی فرزندآوری آغاز می‌شود. بنابراین ارتباط ازدواج و تشکیل خانواده با تجدید نسل انسانی (باروری) بسیار تنگاتنگ است. زمان وقوع ازدواج (سنی که در آن ازدواج اتفاق می‌افتد)، تاثیر بلافصل و بدون واسطه‌ای بر باروری اعمال می‌کند. معمولاً ازدواج‌های زودرس‌تر یا سنین پایین‌تر شروع ازدواج، با میزان باروری ارتباط مستقیم دارند؛ هرچند تصمیم‌گیری زوجین در مورد خواستن یا نخواستن (تقاضای) فرزند و زمان این تقاضا در دوران حیات خانواده، می‌تواند این رابطه را تحت تاثیر قرار دهد (محمودیان، ۱۳۸۳: ۴۲). تعاریف متعددی از ازدواج ارائه شده است که به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود. ساروخانی در تعریف ازدواج معتقد است: "ازدواج عملی است که پیوند بین دو جنس را برپایه روابط پایای جنسی موجب می‌شود؛ بنابراین رابطه دو فرد از یک جنس چه به طور موقت و چه دائم ازدواج خوانده نمی‌شود. از سوی دیگر، در تعریف ازدواج، روابط جسمانی بین دو جنس مخالف به خودی خود کافی به نظر نمی‌رسد؛ چه ازدواج مستلزم انعقاد قراردادی اجتماعی است که مشروعیت روابط جسمانی را موجب می‌شود" (ساروخانی، ۱۳۸۳: ۲۳).

کاظمی‌پور نیز ازدواج را این‌چنین تعریف می‌کند: "ازدواج یکی از وقایع مهم حیاتی است که از نظر اجتماعی به عنوان پیوندی با ثبات بین زن و مرد شناخته می‌شود که در بستر خانواده و هم‌زمان با آن دچار دگرگونی و دگرگونی‌ها ژرفی در تمامی ابعاد گشته است" (کاظمی‌پور، ۱۳۸۳).

کارلسون^۱ در اثرش "انطباق‌پذیری و ارتباط در ازدواج" می‌گوید: "ازدواج فرآیندی است از کنش متقابل بین دو فرد، یک زن و یک مرد که برخی شرایط قانونی را تحقق بخشیده‌اند و مراسمی برای برگزاری زناشویی خود برپا داشته‌اند و به‌طور کلی عمل آنان مورد پذیرش قرار گرفته و بدان ازدواج اطلاق شده است" (۱۹۶۳: ۳۱، به نقل از کاظمی‌پور).

هرچند ازدواج به عنوان یک عمل ارادی، تابع خواست، تمایلات و دیدگاه‌های فردی است، اما زنده‌گی اجتماعی انسان و روابط پیچیده‌ی او با پیرامونش، ازدواج را تحت روابطی دو سویه با متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و حتی سیاسی قرار می‌دهد و از این رو به‌عنوان یک پدیده اجتماعی مورد توجه پژوهش‌گران علوم اجتماعی از جمله جامعه‌شناسان و جمعیت‌شناسان قرار گرفته است (کاظمی‌پور، ۱۳۸۳: ۱۰۶). نوسانات سن ازدواج برای جمعیت‌شناسان و جامعه‌شناسانی که به مطالعه دقیق دگرگونی‌های آن می‌پردازند پدیده‌ای ارزش‌مند است. آنان بین دگرگونی در این عامل و دگرگونی‌ها اقتصادی اجتماعی نوعی هم‌بستگی مشاهده می‌کنند.

چنان‌چه ویلیام گود^۲ براین باور است که دگرگونی‌های ملموسی که در نظام خانواده در جهان در حال وقوع است که همه این دگرگونی‌های در نقطه مشترکی با هم تلاقی می‌کنند که عبارتند از افزایش سن ازدواج، کاهش ازدواج‌های ترتیب‌یافته و افزایش آزادی در انتخاب هم‌سر. به عقیده او پارامترهای ازدواج در جوامع مختلف به هم‌گرایی نزدیک می‌شوند (گود، ۱۹۶۳: ۵۷).

سن بلوغ جسمی، روانی و اجتماعی به دلیل وجود امکانات بیش‌تر و هجوم اطلاعات سرسام‌آور و رشد فزاینده دگرگونی و دگرگونی‌ها اجتماعی و خانواده‌گی در سال‌های اخیر زودرس‌تر شده است؛ یعنی این‌که سن بلوغ روانی، اجتماعی از رشد چشم‌گیری برخوردار بوده است و به تبع آن آمادگی برای ازدواج و تشکیل خانواده مسلماً باید بیش‌تر شود، اما این‌که سن ازدواج در مقایسه با دهه‌های گذشته بیش‌تر شده به عوامل متعددی بسته‌گی دارد. عوامل فردی و روانی از یک‌سو، جو عمومی حاکم بر اجتماع از سوی دیگر، می‌تواند ازدواج را تقویت یا تضعیف کند. آن‌چه که مهم می‌نماید این است که چه عواملی می‌تواند زمینه‌ساز

۱- Karlson

۲-William good

برانگیخته‌گی آدمی برای ازدواج یا عدم ازدواج باشد. رشد پیچیده‌گی‌های زنده‌گی به خصوص در شهرها و بروز مسایل و مشکلات متعدد، برانگیخته‌گی آدمی را تحت‌الشعاع قرار داده است و ازدواج را به تعویق می‌اندازد و مهم‌تر این‌که نقش اساسی در یک ازدواج پویا را عوامل پیوند دهنده‌ی بنیادین مشترک شکل می‌دهد. افزایش سن ازدواج دختران تحصیل‌کرده دانشگاهی و بروز پدیده تجرد قطعی در بین آنان، از زمره این دگرگونی‌ها است که در نتیجه دگرگونی‌های کلان در سطح جامعه شده است. از طرفی نباید از نظر دور داشت که پدیده افزایش سن ازدواج و در ادامه‌ی بروز تجرد قطعی باعث اختلال در کارکرد طبیعی نهاد خانواده شده و به دنبال این امر به طور طبیعی شاهد وجود نابسامانی‌هایی در سطح جامعه هستیم، نابسامانی‌هایی چون شیوع انواع فسادهای اجتماعی، گسترش روابط نامشروع خارج از چارچوب خانواده، بحران میل جنسی و... با مقایسه بررسی اجمالی آمار سن ازدواج در چهل سال گذشته (سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵) دقیقاً متوجه دگرگونی و دگرگونی‌های ناشی از آثار نوسازی می‌شویم:

۱. بررسی میانگین سن ازدواج زنان طی ۴۰ سال گذشته از ۱۸/۴ در سال ۱۳۴۵ به ۲۳/۳ در سال ۱۳۸۵ رسیده در حالی که این دگرگونی برای مردان از ۲۵ به ۲۶/۳ سال می‌باشد.
 ۲. مقایسه میزان عمومیت ازدواج: این نسبت برای زنان ۴۰ سال از ۹۹/۲ درصد به ۹۸/۲ درصد کاهش یافته، در حالی که برای مردان از ۹۸/۵ درصد به ۹۸/۷ افزایش یافته است.
 ۳. میزان تجرد قطعی مردان از ۱/۵ درصد به ۱/۳ درصد کاهش یافته و در مقابل این میزان برای زنان از ۰/۸ به ۱/۸ درصد افزایش یافته است (سرشماری مرکز آمار ایران آبان‌ماه ۱۳۸۵).
- از این رو با توجه به موارد بیان شده، پژوهش حاضر از آن جهت به صورت خاص به «سن ازدواج دختران» می‌پردازد که یکم، در جامعه ما به دلیل محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی، دختران بیش از پسران دچار آسیب می‌شوند. دوم، تحصیلات عالی دختران نسبت به پسران در حال افزایش است. سوم این‌که سن ازدواج دختران نسبت به پسران در حال رشد است و چهارم این‌که جامعه دانشگاهی ایران قشر تحصیل‌کرده جامعه محسوب می‌شوند و شهر تهران از لحاظ تعداد دانشگاه و تعداد دانشجوی بیش‌ترین جمعیت را به خود اختصاص داده است. به‌رحال این قشر که عموماً در معرض واقعه‌ی ازدواج قرار دارند و با توجه به این‌که سن ازدواج آن‌ها هم‌چون سایر اقشار در معرض ازدواج رو به افزایش است؛ به عنوان یک مساله اجتماعی مهم، نیازمند کنکاشی ژرف است. بنابراین بررسی علل افزایش سن ازدواج دختران دانشجوی این شهر که قومیت‌های مختلفی هم در

آن حضور دارند، ضرورتی است که احساس می‌شود. از این‌رو این پژوهش برآن است تا عوامل جمعیتی- اجتماعی تاثیرگذار بر افزایش سن ازدواج دختران دانشگاه‌های تهران را مورد مطالعه قرار دهد و از بین عوامل مختلف تاثیرگذار مهم‌ترین عامل را تشخیص دهد.

۳-۱- ضرورت و اهمیت پژوهش

در خصوص اهمیت و ضرورتی که این پژوهش می‌تواند در بر داشته باشد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: یکم، با اهتمام به گذار جامعه ایرانی از نظم سنتی به نظم نوین و وضعیت در حال اضمحلال بافت و سازوکارهای سنتی، هم‌واره این نگرانی وجود دارد که در جریان این دگرگونی و دگرگونی‌ها، نابسامانی‌ها و آشفتگی‌هایی در تمام عرصه‌های زنده‌گی به‌وجود آید. یکی از این زمینه‌ها، دگرگونی در نهاد خانواده و ازدواج است. به طوری که بر اساس مجموعه‌ی یافته‌های پژوهش‌های پیشین^۱ آنچه مشاهده می‌گردد این است که جامعه ما طی دهه‌های اخیر دگرگونی و دگرگونی‌ها در میانگین سن ازدواج زنان، نسبت تجرد، میزان طلاق و انتقال در ترکیب جنسی افراد ازدواج نکرده را تجربه کرده است. به نحوی که در سال ۱۳۸۵ جمعیت دختران مجرد بالای ۳۵ سال ۶/۰۸ درصد در حالی که جمعیت مردان مجرد در این سن ۴/۹۹ درصد بوده است (میرسندسی، ۱۳۹۰: ۳۲).

دوم، غالب پژوهش‌های موجود در این باره، به بررسی عواملی چون عوامل اقتصادی (مصطفوی، ۱۳۹۰)، در دست‌رس نبودن هم‌سر مناسب (محمودیان، ۱۳۸۳) مضیقه‌ی ازدواج (احمدی و همتی، ۱۳۸۷)، موثر بر پدیده افزایش سن ازدواج پرداخته و در پژوهش‌های کم‌تری مشاهده می‌شود که به بررسی تحلیلی و ژرف مشکلات و چالش‌های مربوط به ازدواج توجه نشان داده باشد؛ به طوری که در اکثر بررسی‌ها تنها به ذکر مشکلات مالی و اقتصادی و یا دگرگونی‌ها سن ازدواج و یا دگرگونی‌های الگوی سن ازدواج اکتفا شده است. هرچند نقش این عوامل را نمی‌توان انکار کرد، اما پرسش اساسی این است که آیا عوامل مذکور، علت و ریشه به حساب می‌آیند و یا در اصل، خود نیز معلول علل زیربنایی‌تری از جمله دگرگونی در نظام باورها و نگرش‌ها و بازخوردهای خانواده می‌باشند؟

۱- این دسته تحقیقات در پیشینه تحقیق آورده شده اند.